

تحقیقات راهبری شرکتی در حسابداری و حسابرسی: دیدگاهها، مفاهیم عملی و جهت گیری تحقیقات آتی

دکتر سید حسین علوی طبری

دانشیار دانشگاه الزهراء

غریبه اسماعیلی

مدرس دانشگاه غیراتفاعی باختر، دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء

منیژه رامشه

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردین، دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء

چکیده

نظام راهبری شرکتها مجموعه‌ای از فرآیندها و ساختارهایی است که با استفاده از سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحدهای تجاری است. در طی دو دهه گذشته ادبیات راهبری شرکتی در حسابداری و حسابرسی رشد سریعی داشته است. به منظور درک بهتر این ادبیات، مطالعه حاضر به بررسی یافته‌های پژوهشهای تجربی انجام شده در این حوزه پرداخته است. تمرکز اصلی این مطالعه، موضوعات مرتبط با هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی در حوزه راهبری شرکتی است. مطالعه حاضر دیدگاههای عمده پژوهشهای انجام شده در این حوزه و مفاهیم عملی آنها را مورد بحث قرار داده، ضمن نقد آنها پیشنهادهای جهت گسترش تحقیقات فعلی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه:

راهبری شرکتی، کمیته حسابرسی، هیئت‌مدیره

مقدمه

اواخر دهه نود و اوایل هزاره جدید، جهان شاهد بحرانها و رسواییهای دو کمپانی غول‌آسای انرون و وردکام و دیگر شرکتهای کوچکتر بود. وقوع این رسواییهای مالی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری، گزارشگری مالی و حسابرسان این شرکتها شد. پیامد این نگرانیها به شکل تغییرات بنیادین و گسترده در حوزه نظارت بر شرکتها و بازار سرمایه نمود یافت که از آن جمله می‌توان به تفکر تقویت ساختار نظام راهبری شرکتها و قوانین و مقررات اشاره کرد. بررسی علتها و شرایط وقوع فروپاشیها مشخص کرده است که در موارد نبود نظارت بر مدیریت، راهبری ناقص سهامداران بر چگونگی اداره کارها و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی، زمینه مساعدی برای سوء استفاده آنان را فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین وضعیتی مستلزم اشراف صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر هیئت‌مدیره و حسابرسی منظم شرکتهاست که در مجموع تحت عنوان نظام راهبری شرکت شناخته می‌شود. در نگاهی کلی نظام راهبری شرکتها را می‌توان مجموعه‌ای از فرآیندها و ساختارهایی دانست که با استفاده از سازوکارهای درون‌سازمانی نظیر هیئت‌مدیره، کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز سازوکارهای برون‌سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام حقوقی، نظارت بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، حسابرسان مستقل و موسسات رتبه‌بندی در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است [۹].

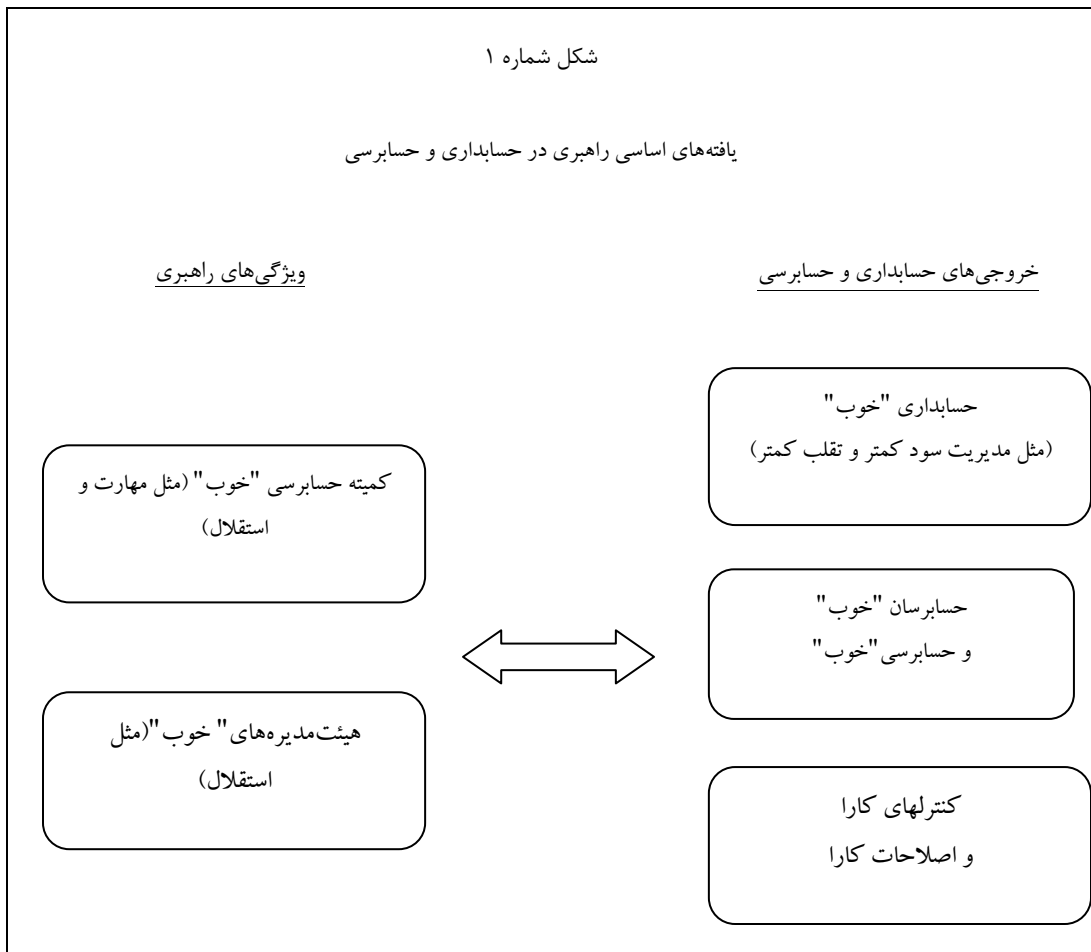
از زمان کار پیشرو باسلی [۲۴] و دی‌چاو و همکاران [۴۰] در حوزه راهبری [۲۴]، محققین حسابداری و حسابرسی صدها مطالعه جهت آزمون رابطه بین ویژگیهای راهبری شرکتی و خروجی‌های مختلف حسابداری و حسابرسی را منتشر نموده‌اند. با توجه به اینکه سابقه تحقیقات راهبری در حسابداری و حسابرسی به دهه دوم عمر خود می‌رسند لازم است به این سوالات

پاسخ داده شود که تا به امروز چه آموخته‌ایم، یافته‌ها در عمل به چه معناست و جهت‌گیریهای عمده برای تحقیقات آتی کدامند. به عبارت دیگر اعتقاد بر این است که پرسیده شود: "از اینجا به کجا خواهیم رفت؟"

این مقاله برای پاسخگویی به سوالات فوق به این شرح سازمان یافته است که در بخش بعد دیدگاهها و نتایج اصلی تحقیقات خارجی و داخلی انجام شده در حوزه راهبری شرکتی ارائه شده است. در بخش بعدی مفاهیم عملی یافته‌های پژوهش‌ها و بخش آخر به نقد تحقیقات و ارائه خطوط جدید برای تحقیقات در این حوزه می‌پردازد.

دیدگاهها و نتایج اصلی تحقیقات

در سطح بسیار ابتدایی واقعیت ادبیات راهبری شرکتی تا به امروز می‌تواند در یک جمله بیان شود، «ویژگیهای کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره خوب با اندازه‌گیریهای حسابداری و حسابرسی خوب و با کنترل‌های داخلی بسیار کارا مرتبط است». این مطلب در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. در تعریف کمیته حسابرسی خوب، اغلب تمرکز بر مهارت مالی و استقلال کمیته حسابرسی است. برای هیئت‌مدیره‌های خوب تمرکز اصلی بر استقلال هیئت‌مدیره است. حسابداری خوب عموماً از طریق مدیریت سود کمتر، نبود گزارشگری مالی متقلبانه یا نبود ارائه‌های مجدد تعریف می‌شود. محققین به نوع حساب‌رسان، حق‌الزحمه حسابرس برای خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی، گزارشگری تداوم فعالیت و هماهنگی کمیته حسابرسی و حسابرس برای دستیابی به حسابرسی خوب توجه می‌کنند. در آخر کنترل‌های داخلی قویتر از طریق دیدگاه حسابرس مستقل در خصوص کنترل داخلی (بخش ۴۰۴ قانون ساریینز آکسلی) یا افشای کارایی کنترل داخلی توسط مدیریت (بخش ۳۰۲ قانون ساریینز آکسلی) اندازه‌گیری می‌شود.



در جدول شماره ۱ گزیده‌ای از یافته‌های جدید مقالات خارجی و داخلی چاپ شده در مجلات معتبر ارائه شده است. مقالات ارائه شده در جدول در حوزه حسابداری به مطالعه رابطه بین ویژگی‌های راهبری شرکتی و خروجی‌های حسابداری نظیر گزارشگری مالی متقربانه، ارائه‌های مجدد، مدیریت سود/کیفیت اقلام تعهدی و محافظه‌کاری پرداخته‌اند. این تحقیقات درک عمیقی از رابطه بین ویژگی‌های راهبری و خروجی‌های حسابداری ایجاد کرده و غالباً

رابطه مثبت بین ویژگیهای راهبری خوب و خروجی‌های حسابداری را نشان دادند. در حوزه حسابرسی محققین به مطالعه ارتباط ویژگیهای راهبری با انتخاب و حفظ حسابرس، ارزیابی ریسک توسط حسابرس، تصمیمات برنامه‌ریزی و نوع اظهارنظر حسابرس، حق‌الزحمه‌های حسابرس (حسابرسی و غیرحسابرسی) و بودجه‌های حسابرسی داخلی پرداخته‌اند. سایر حوزه‌های مورد بررسی مربوط به اهمیت تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی، فرآیند پاداش اعضای کمیته حسابرسی و سایر موارد مرتبط است که در جدول زیر گزارش شده است.

جدول شماره ۱

خلاصه تحقیقات منتخب اخیر

یافته‌ها	حوزه
<p>گزارشگری مالی متقربانه</p> <p>۱- دادخواست تقلب مالی با وجود مدیر عامل فاسد، راهبری ضعیف‌تر، هیئت‌مدیره بزرگتر، استقلال کمتر، مشغولتر، تخصص مالی کمتر و مدیرعامل با وظایف دوگانه رابطه مثبت دارد [۴۵].</p> <p>۲- ادعای SEC در رابطه با گزارشگری مالی متقربانه با داشتن هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی غیرمستقل رابطه منفی و با اینکه مدیرعامل رئیس هیئت‌مدیره باشد رابطه مثبت دارد [۶۳].</p> <p>۳- شرکتهای متقلب نسبت به شرکتهای غیرمتقلب، هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی با استقلال کمتر و متوسط دوره گردش کوتاهتر در هیئت‌مدیره دارند، هرچند که میزان تفاوت‌های ذکر شده کوچک است [۲۵].</p> <p>۴- موثرترین علامت خطر در کشف گزارشگری مالی متقربانه، نظارت ناکافی بر کنترل‌های داخلی بااهمیت است [۱۸].</p> <p>۵- ایجاد و بکارگیری کمیته حسابرسی در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف</p>	حسابداری

غیرقانونی، بهبود فرآیند گزارشگری مالی و ارائه اطلاعات و گزارشهای مالی شفاف و قابل اتکا موثر است [۱۰].

ارائه‌های مجدد

۱- وقتی رئیس هیئت‌مدیره در فرآیند انتخاب مدیر عامل درگیر است رابطه معنی‌دار بااهمیتی بین ارائه‌های مجدد با استقلال کمیته حسابرسی و تخصص مالی وجود ندارد [۳۳].

۲- ارائه‌های مجدد با تخصص صنعت کمیته حسابرسی رابطه منفی دارد. وقتی که چنین تخصصی با تخصص مالی کمیته حسابرسی یا تخصص صنعت حسابرس همراه باشد ریسک ارائه مجدد کمتر است [۳۹].

۳- رابطه کمی بین ارائه‌های مجدد حسابداری و ۱۴ بعد راهبری شرکتی وجود دارد [۵۳].

مدیریت سود/کیفیت اقلام تعهدی

۱- رابطه بین اقلام تعهدی غیرعادی و ۱۴ بعد راهبری شرکتی، رابطه‌ای ترکیبی با برخی از علایم غیرمنتظره است [۵۳].

۲- اختیار حسابداری با کیفیت راهبری شرکتی رابطه منفی دارد و شواهد کمی وجود دارد که اختیار حسابداری به دلیل راهبری شرکتی ضعیف با عملکرد آتی شرکت رابطه مثبت داشته باشد [۲۹].

۳- تجربه اعضای کمیته حسابرسی به عنوان شریک حسابرسی (وابسته به موسسه حسابرسی فعلی) با عملکرد تعدیل شده اقلام تعهدی اختیاری رابطه منفی دارد [۵۹].

۴- کیفیت اقلام تعهدی با تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی رابطه مثبت دارد بویژه وقتی که تخصص حسابداری و تخصص مالی هر دو وجود

دارند [۴۸].

۵- راهبری شرکتی با معیارهای کیفیت ارقام تعهدی، پایداری، هموارسازی و محافظه کاری سود ارتباط منفی معنی دار و با معیارهای توان پیش بینی و بموقع بودن سود ارتباط مثبت معنی دار دارد [۱۴].

۶- با بیشتر شدن جلسات هیئت مدیره و افزایش حضور مدیران غیرموظف در آن کیفیت سود حسابداری افزایش یافته است. این در حالیست که بین تفکیک مسئولیتهای مدیرعامل و رییس هیئت مدیره از یکدیگر و کیفیت سود رابطه معنی داری وجود ندارد. بعلاوه رابطه معنی دار بین کیفیت ارقام تعهدی و مکانیزمهای راهبری شرکتی یافت نشد [۱۳].

۷- سهامداران نهادی کوتاه مدت تاثیری مثبت و معنی دار و سهامداران نهادی بلندمدت تاثیری منفی و معنی دار بر مدیریت سود فزاینده درآمد شرکتهای دارند [۱۱].

۸- رابطه معنی دار منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود همچنین بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود وجود دارد. علاوه بر این، رابطه معنی داری بین سایر ویژگیهای راهبری شرکتی (تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیئت مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) و مدیریت سود وجود ندارد [۱].

محافظه کاری حسابداری

۱- محافظه کاری حسابداری با وجود افراد درون سازمانی در هیئت مدیره رابطه منفی و با مالکیت مدیران برون سازمانی رابطه مثبت دارد [۲۰].

۲- محافظت بیشتر در برابر بدهی با محافظه کاری حسابداری کاهش ارتباط

<p>دارد، بویژه وقتی که ریسک دعوی حقوقی بالاتر است [۳۵].</p> <p>۳- تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی (و نه تخصص مالی غیرحسابداری) تنها وقتی که راهبری شرکتی قوی است با محافظه کاری بیشتر ارتباط دارد [۵۱].</p> <p>۴- رابطه مثبت بین درصد مالکیت نهادی سهام و درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و رابطه منفی بین تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل با محافظه کاری وجود دارد. بین محافظه کاری و وجود حسابرس داخلی رابطه ای مشاهده نگردید [۱۲].</p> <p>۵- رابطه مثبت بین مالکیت نهادی و محافظه کاری سود وجود دارد. بعد از تفکیک مالکان نهادی به فعال و منفعل، رابطه مثبت و معنی داری بین مالکیت نهادی منفعل و محافظه کاری سود یافت شد اما در ارتباط با مالکیت نهادی فعال نتیجه قابل اتکایی حاصل نشد [۱۵].</p> <p><u>انتخاب، تغییر و تایید حسابرس</u></p> <p>۱- استقلال هیئت مدیره و کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی با کناره گیری حسابرس رابطه منفی دارد. کمیته های مستقل تر با احتمال بیشتر حسابرسان بعدی با کیفیت بالاتر را انتخاب می نمایند [۵۶].</p> <p>۲- شرکتهای با کمیته حسابرسی مستقل تر و با تخصص مالی بیشتر و با هیئت مدیره های مستقل تر به روابطشان با اندرسون زودتر خاتمه داده اند [۳۷].</p> <p>۳- کمیته های حسابرسی مستقل تر کمتر احتمال دارد موسسه حسابرسی را انتخاب نمایند که کارکنان کلیدی شرکت قبلا شاغل در آن شرکت بوده اند [۵۷].</p> <p>۴- کمیته های حسابرسی کاملا مستقل با کنارگذاری حسابرس بعد از انتشار</p>	حسابرسی
--	---------

<p>اظهارنظر تداوم فعالیت رابطه منفی دارد [۳۰].</p> <p>۵- تغییر حسابرس بیشتر تحت تاثیر عوامل غیرحسابداری از جمله عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت، وجود سهامداران عمده در ترکیب سهامداران، وجود سهامداران حقوقی و شبه دولتی می باشد [۳].</p> <p>۶- حق الزحمه حسابرس، نوع اظهارنظر حسابرس، اندازه و کیفیت موسسه حسابرسی رابطه مثبت با تغییر حسابرس دارند [۸].</p> <p><u>ارزیابی ریسک حسابرس، برنامه ریزی حسابرسی و اظهارنظر حسابرسی</u></p> <p>۱- ارزیابی کنترل ریسک و تصمیمات برنامه ریزی توسط حسابرس، تحت تاثیر نقش هیئت مدیره قرار می گیرد (استقلال نمایندگی و منابع) [۳۷].</p> <p>۲- وجود کمیته حسابرسی و دفعات جلسات آن با ارزیابیهای ریسک حسابرس رابطه منفی دارد [۶۲].</p> <p>۳- راهبری شرکتی قویتر صاحبکار منجر به ارزیابیهای پایین تر از ریسک محیط کنترلی، اتکای بیشتر بر کنترلهای صاحبکار، کاهش آزمون محتوا و افزایش آزمونهای میاندوره ای می شود [۶۱].</p> <p>۴- در برخی موارد ارزیابیهای ریسک تقلب حسابرسان داخلی از طریق کیفیت کمیته حسابرسی تحت تاثیر قرار می گیرد، اگرچه دامنه قضاوتهای حسابرس تحت تاثیر قرار نمی گیرد [۲۲].</p> <p>۵- کمیته های حسابرسی کاملا مستقل با گزارش اظهارنظر تداوم فعالیت شرکتهای با بحران مالی رابطه مثبت دارد [۳۰].</p> <p>۶- به جز حسابرسی داخلی سایر مکانیزم های راهبری (نظیر ساختار هیئت مدیره شرکت، سهامدار عمده و سرمایه گذاران نهادی) تاثیری بر فرآیند برنامه ریزی و قضاوتهای حسابرسان مستقل ایرانی نداشته اند [۵].</p>	
--	--

۷- بین کیفیت راهبری شرکتی در شرکتهای با رتبه راهبری متوسط و ضعیف و ارائه اظهارنظر مشروط توسط حسابرسان مستقل رابطه معنی داری وجود دارد اما چنین رابطه‌ای در مورد صاحبکارانی با سطح راهبردی قوی و ارائه اظهارنظر مقبول برای آنها مشاهده نشد [۵].

حق الزحمه‌های حسابرسی

۱- در صورتیکه راهبری قوی باشد حق الزحمه‌های حسابرسی با تخصص حسابداری کمیته حسابرسی رابطه مثبت خواهد داشت. زمانی که ریسک مدیریت سود پایین است، رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و تخصص حسابداری منفی و چنانچه این ریسک بالا باشد رابطه مثبت خواهد بود [۵۱].

۲- حق الزحمه‌های حسابرس با مالکیت سهام مدیران رابطه‌ای منفی و با هیئت‌مدیره‌های کمتر دموکراتیک، با دفعات جلسات کمتر و کمیته حسابرسی با تخصص مالی پایتتر رابطه مثبت دارد [۴۸].

۳- از میان ده عامل نظام راهبری، تنها دو عامل درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه‌دولتی و نوع حسابرس با حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه مستقیم و معنی دار دارد [۹].

۵- درصد سهم اولین سهامدار عمده با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه معکوس دارد. بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، درصد سهم نهادهای دولتی و شبه دولتی با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی دار وجود ندارد [۷].

حق الزحمه غیرحسابرسی

۱- کمیته حسابرسی خدمات دوگانه حسابرسی و غیرحسابرسی را وقتی که کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد، می‌پذیرد اما اگر حق الزحمه حسابرس

بطور عمومی منتشر شود، حتی اگر آنها معتقد باشند که کیفیت حسابرسی بهبود خواهد یافت خدمات دوگانه را نخواهند پذیرفت [۴۶].

۲- تخصص حسابداری کمیته حسابرسی با دریافت خدمات مالیاتی از حسابرس مستقل رابطه منفی دارد [۲۷].

۳- استفاده از خدمات مالیاتی با راهبری شرکتی قوی رابطه مثبت دارد [۵۵].

۴- وجود کمیته حسابرسی صاحبکار، وابستگی اقتصادی حسابرس و ارائه خدمات غیرحسابرسی بر استقلال حسابرس تاثیر دارد [۱۶].

۵- عدم افشای نسبت حق الزحمه‌های غیرحسابرسی به حق الزحمه‌های حسابرسی در صورتهای مالی صاحبکار و بالا بودن درصد حق الزحمه‌های غیرحسابرسی نسبت به حق الزحمه حسابرسی استقلال حسابرس را نقض می‌کند [۱۷].

وظیفه حسابرسی داخلی

۱- بودجه کلی حسابرسی داخلی بیشتر است اگر کمیته حسابرسی بودجه را بازبینی نماید [۳۱]. بودجه‌های حسابرسی داخلی با جلسات کمیته حسابرسی رابطه مثبت اما با تخصص حسابرسی در کمیته حسابرسی و گردش اعضای کمیته حسابرسی رابطه منفی دارد [۲۳].

۲- تمرکز حسابرس داخلی بر فعالیتهای مرتبط با کنترل داخلی با سهل‌انگاری کمیته حسابرسی در مورد حسابرس داخلی افزایش می‌یابد [۱۹].

۳- کمیته‌های حسابرسی کارا (بر مبنای استقلال، جلسات و تخصص) با برون‌سپاری کمتر فعالیتهای حسابرسی داخلی به حسابرس مستقل مرتبط است [۱۹].

۴- استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در دانشگاهها

<p>موجب ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی مالی در این قبیل موسسات می‌شود [۲].</p> <p><u>تخصص مالی</u></p> <p>۱- سرمایه‌گذاران تخصص مالی کمیته حسابرسی را ارزشیابی می‌کنند بویژه تخصص حسابداری [۴۱].</p> <p>۲- شرکتهای با ریسک دعوای حقوقی بالاتر و راهبری قویتر بیشتر احتمال دارد که متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی داشته باشند [۵۲].</p> <p>۳- بهبود در تحصیلات مالی کمیته حسابرسی با بازده سهام قویتر ارتباط دارد [۳۶].</p> <p><u>پاداش کمیته حسابرسی</u></p> <p>۱- پاداش کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی مستقل و تخصص رئیس کمیته حسابرسی بعد از تصویب SOX رابطه مثبت دارد. پاداش کمیته حسابرسی با پرداخت به مدیران در دوره بعد از SOX متفاوت است [۴۴].</p> <p>۲- ارائه‌های مجدد حسابداری با نسبت پاداش دوره جاری اعضای کمیته حسابرسی رابطه مثبت دارد که متشکل از اختیار خرید سهام کوتاه مدت یا اختیار خرید سهام بلند مدت است [۲۱].</p> <p>۳- اعضای کمیته حسابرسی که پاداش دریافت نکرده‌اند بیطرف‌ترند [۵۸].</p> <p>۴- اعضای کمیته حسابرسی بیشترین محافظت از حسابرس را وقتی که پاداش آنها عمدتاً اختیار خرید بلندمدت است، خواهند داشت [۲۸].</p> <p>۵- پاداش اختیار خرید سهام کوتاه مدت (بلند مدت) کمیته حسابرسی با احتمال بیشتر (کمتر) با اغماض از تعدیلات عمده کیفی ارتباط دارد [۵۰].</p> <p><u>عملکرد کمیته حسابرسی</u></p>	<p>کمیته حسابرسی</p>
---	--------------------------

۱- اعضای کمیته حسابرسی در جلساتشان بر صحت صورتهای مالی، اثربخشی کنترلها و کیفیت حسابرسی تمرکز می کنند [۴۷].

۲- اعضای کمیته احساس خود از کارایی کمیته حسابرسی را از طریق در نظر گرفتن پیشینه اعضا، جنبه های مختلف جلسات کمیته حسابرسی و فعالیتهای رسمی خارج از جلسات کمیته حسابرسی گسترش می دهند [۴۶].

۳- در میان فرایندهای مختلف کمیته حسابرسی شواهدی از هر دو فعالیت نظارت محتوایی و فعالیتهای تشریفاتی وجود دارد، یک زمینه خاص نگرانی کمیته در مورد ریسک تقلب صورتهای مالی است [۲۶].

۴- بعد از SOX فرض می شود کمیته های حسابرسی دانش و قدرت بیشتری داشته باشند و بسیار سخت کوش تر و فعالتر باشند. نگرانیها در مورد نقش کمیته حسابرسی در مورد انتخاب حسابرس و نزاعهای حسابداری همچنان وجود دارد [۳۹].

قضاوتهای کمیته حسابرسی

۱- پشتیبانی کمیته حسابرسی برای تعدیلات پیشنهادی حسابرس در دوره بعد از SOX نسبت به دوره قبل از SOX بیشتر شده است و این نتیجه گیری از طریق اعضای کمیته حسابرسی که حسابدار رسمی هستند و بعد از SOX محافظه کارتر شده اند بدست آمده است [۴۲].

۲- اعضای کمیته حسابرسی تعدیلات را به ارائه های مجدد ترجیح می دهند و مدیران با چندین پست مدیریتی نسبت به مدیران تنها با یک پست مدیریتی کمتر احتمال دارد که از ارائه مجدد پشتیبانی نمایند [۴۹].

۳- اعضای کمیته حسابرسی موضوعهای حسابداری را عمیق تر بررسی می کنند زمانی که پیامدهای تصمیم گیری متهورانه تر است، بویژه اگر اعضا

مفاهیم عملی یافته‌ها

یافته‌های پژوهش‌ها تا به امروز مفاهیم مهمی در عمل داشته است که در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود. نخست اینکه شواهد فراوانی نشان می‌دهد که راهبری ضعیف با خروجی‌های گزارشگری مالی منفی (بویژه تقلب و ارائه مجدد) در ارتباط است. این امر شاید اساسی ترین مفهوم عملی یافته‌های تحقیق راهبری تا به امروز باشد، زیرا نشان می‌دهد اصلاحات راهبری در SOX (استقلال هیئت‌مدیره، مهارت کمیته حسابرسی، ...) پشتیبانی تجربی داشته و عکس‌العملی ساده و بی‌مطالعه به بحرانها نیست.

دومین مطلب این است که چون هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی مکانیسم‌های اساسی نظارت داخلی بر گزارشگری مالی مدیریت عالی رتبه است و مدیرعامل و مدیر مالی در ۸۹ درصد از تقلب‌های حسابداری شرکتهای سهامی عام درگیر هستند [۲۵]، حسابرس مستقل نیازمند آزمون بسیار دقیق ویژگیها و فرآیندهای راهبری شرکتی در ارزیابی محیط کنترلی است. بنابراین کیفیت نظارت انجام شده توسط کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره برای کاهش این ریسک ضروری و حیاتی است.

مورد سوم، تحقیقات نشان داده‌اند که در صورت راهبری قوی، تغییر یا کنارگذاری حسابرسان کمتر مسئله ساز خواهد بود، بدین معنی که با وجود راهبری قوی، تغییر یا کنارگذاری حسابرس ممکن است از طریق عملکرد ضعیف حسابرس یا حق‌الزحمه بیش از حد توجیه شود. از آنجایی که قانونگذاران منابعی برای آزمون تمام تغییرات حسابرسان در دسترس ندارند، ممکن است هنگام بررسی چرایی کنارگذاری حسابرس، ویژگیهای راهبری شرکت را در نظر بگیرند. زمانی که راهبری قویتر باشد، ریسک مساله دار بودن کنارگذاری کاهش می‌یابد.

چهارم اینکه نتایج تحقیقات بیانگر آن است که ارزیابی حسابرسان مستقل از ریسک شرکتهای با راهبری ضعیف، بالاتر است و زمان بیشتری را برای حسابرسی آنها برنامه‌ریزی می‌نمایند. اما این مطلب که آیا تعدیلات ارزیابی ریسک و مدت زمان حسابرسی توسط حسابرسان در موارد ضعف راهبری کافی است یا خیر، مورد آزمون قرار نگرفته است. ممکن است حسابرسان بخواهند آزمون نمایند که آیا ارزیابی‌های آنها و برنامه‌ریزی زمانهای اضافی برای کاهش ریسک‌های مرتبط با راهبری ضعیف کافی است یا خیر.

مورد پنجم اشاره دارد که راهبری قوی و حسابرسی قوی بیشتر از اینکه جایگزین یکدیگر باشند، مکمل هم هستند، به این معنی که هیئت‌مدیره‌ها و کمیته‌های حسابرسی قویتر با حسابرسی قویتر مرتبط است. بنابراین در شرکتهای با راهبری ضعیف، احتمالاً نظارت (هم داخلی توسط هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی و هم خارجی توسط حسابرس مستقل) نیز ضعیف باشد. در صورت ضعف راهبری شرکتی با توجه به بالا رفتن ریسک، نرخ تنزیل اعمال شده بر سود و جریانهای نقدی آتی نیز بیشتر شده لذا اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش بزرگتر خواهد بود.

مورد ششم اینکه با توجه به اهمیت تخصص حسابداری، حسابرسی و صنعت برای کمیته حسابرسی که در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده است، شرکتهای باید در استخدام اعضای کمیته حسابرسی با مهارت حسابداری و حسابرسی به دلیل کارایی بیشتر آنها و عکس‌العمل مثبت بازار سرمایه، تلاش کنند. حسابرسان در برخورد با صاحبکارانی با کمیته حسابرسی فاقد مهارت حسابداری و حسابرسی می‌توانند اثربخشی کمیته را به چالش بکشند.

مورد هفتم اشاره دارد که نتایج بسیاری تحقیقات نشان داده شیوه پاداش دهی به کمیته حسابرسی می‌تواند قضاوت اعضای کمیته را تحت تاثیر قرار دهد، بعلاوه شیوهی پاداش دهی با ریسک ارائه مجدد و انجام تعدیلات حسابرس مرتبط است. لذا اگر اعضای کمیته حسابرسی بر

اساس پرداختهای مبتنی بر انگیزه‌های کوتاه مدت پاداش دریافت کنند حساب‌رسان، تحلیل‌گران و سهامداران باید از ریسک‌های بالقوه مرتبط آگاه باشند.

هشتم، تحقیقات نشان می‌دهد برخی کمیته‌های حسابرسی نقش‌های نظارتی خود را جدی تلقی کرده در حالی که سایرین این نقش‌ها را اساساً تشریفاتی قلمداد می‌کنند. حساب‌رسان در جایگاه منحصربفردی برای ارزیابی اثربخشی عملکرد کمیته حسابرسی قرار دادند. آنها باید اثربخشی عملکرد کمیته را ارزیابی و در صورت اثربخش نبودن، تعدیلات لازم در خصوص ارزیابیهای ریسک، ساعات بودجه شده، ماهیت، دامنه و زمان بندی آزمونهای حسابرسی انجام دهند.

مورد آخر اینکه با توجه به آسیب شهرتی مدیران بویژه اعضای کمیته حسابرسی در موارد شکست گزارشگری مالی و با توجه به مشکل بودن نظارت نیمه‌وقت بر موسسات بزرگ، ممکن است کمیته‌های حسابرسی بخواهند کارکنان یا مشاوران دائمی برای کمیته در نظر بگیرند.

نقد و جهت‌گیری تحقیقات آتی

در این قسمت پیشنهاداتی برای بهبود تحقیقات راهبری شرکتی در آینده ارائه می‌شود. برای این هدف ابتدا الگوهای تحقیق جاری در راهبری تحلیل شده و پیشنهاداتی برای بهبود آنها ارائه می‌شود. سپس توصیه‌هایی برای غنی سازی تحقیقات موجود و سرانجام تعدادی از جهت‌گیریهای جدید یا نوظهور تحقیق پیشنهاد می‌شود.

الف) وضعیت پارادایم‌های فعلی تحقیق در راهبری شرکتی

اکثر تحقیقات راهبری شرکتی آرشیوی و مبتنی بر تئوری نمایندگی است. این تحقیقات عموماً زیرمجموعه‌ای از ویژگیهای راهبری را در نظر می‌گیرند و چگونگی تعریف ویژگیهای راهبری در میان مطالعات مختلف، متفاوت است. در بسیاری از این مطالعات ویژگیهای راهبری برون‌زا فرض شده و مدلها بر مبنای سطح بکار می‌روند. اگرچه برخی از این مدلها در موارد خاصی

مناسب هستند، اما غالباً برای اعتبار درونی و بیرونی تحقیق مشکلاتی ایجاد خواهند کرد. در ادامه هر یک از این موارد به تفصیل ارائه خواهد شد.

ماهیت روشهای تحقیق و تئوریهای بکار رفته

اکثر تحقیقات راهبری منتشر شده آرشیوی هستند. تحقیقات آرشیوی برای تحلیل رابطه بین ورودیهای راهبری شرکتی (ویژگیهای هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی، ..) و خروجیهای مختلف مناسب هستند. اما این روشها برای تحلیل عملکرد (مثلاً اینکه چگونه هیئت‌مدیره و/یا کمیته‌های هیئت‌مدیره مسئولیت‌هایشان را ادا می‌کنند) خیلی مناسب نیستند. به دلیل فقدان پایگاه داده‌ای که حاوی سنجه‌هایی از متغیرهای عملکرد هیئت‌مدیره یا کمیته‌های آن باشد، مطالعه عملکرد واقعی در تحقیقات راهبری ضرورتاً بر آزمونهای رفتاری، بررسی میدانی و پیمایشی مبتنی است. مطالعات تجربی بطور ویژه برای بررسی آنکه مدیران چگونه تصمیمات فردی اتخاذ می‌کنند مفید است اما از آنجایی که هیئت‌مدیره‌ها و کمیته‌های آنها گروههای اجتماعی هستند، ادبیات رفتاری نیاز به تحلیل رفتار و تصمیم‌گیری گروهی دارد.

بررسی میدانی برای فراهم نمودن مجموعه بسیار غنی از داده‌های توصیفی مفید هستند اما با توجه به ماهیت کاربرطلب فرآیند جمع‌آوری داده، اندازه نمونه کوچک بوده لذا تعمیم یافته‌ها همیشه نگران‌کننده است. مطالعات پیمایشی عموماً ساده‌تر از سایر طرح تحقیقات هستند اما برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه مفید و بطور بالقوه به طرح تحقیق مناسب‌تر در آینده منجر می‌شوند. با توجه به نیاز به تمرکز بیشتر بر عملکرد هیئت‌مدیره و کمیته‌های مرتبط، تحقیقات آتی در راهبری بیشتر در چارچوب مطالعات تجربی بویژه آزمون تعاملات گروهی و بررسی میدانی است. از نمونه‌های موفق تحقیق تجربی در راهبری شرکتی می‌توان به مطالعاتی نظیر دیزورت و همکاران [۴۲] و پومیری [۶۰] و از نمونه‌های موفق برای تحقیق بر مبنای مصاحبه می‌توان به باسلی و همکاران [۲۶]، کوهن و همکاران [۳۹] اشاره کرد.

اغلب تحقیقات راهبری مبتنی بر تئوری نمایندگی است. این در حالی است که تئوریهای راهبری متعددی وجود دارد برای مثال می‌توان به تئوری وابستگی منابع (نقش اصلی هیئت‌مدیره کمک به مدیریت برای محافظت از منابع کلیدی سازمان است)، تئوری سازمانی (مکانیسم‌های راهبری تا حدی ممکن است تشریفاتی بوده و جهت افزایش مشروعیت خارجی طراحی شده باشند) و تئوری برتری مدیریت (اعضای هیئت‌مدیره دوست و یاور مدیریت هستند) اشاره کرد [۳۸]. تحقیق باسلی و همکاران [۲۶] در ارتباط با فرآیندهای کمیته حسابرسی جنبه‌های تئوریک متعددی را در نظر گرفته است. آنها نشان دادند که پاسخهای اعضای کمیته حسابرسی در مورد فرآیندهای راهبری، با ترکیبی از انواع تئوریهای راهبری هماهنگ است.

تعداد و اندازه‌گیری ویژگیهای راهبری

بیشتر تحقیقات راهبری تنها بر یک یا زیرمجموعه محدودی از ویژگیهای راهبری (استقلال هیئت‌مدیره یا کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی، ..) متمرکز شده‌اند. این حالت اغلب مسئله ساز است زیرا ویژگیهای راهبری زیادی وجود دارد که ممکن است رویداد مورد مطالعه را تحت تاثیر قرار دهد. لذا انتظاری رود تحقیقات آتی مجموعه غنی‌تری از ویژگیهای راهبری را در نظر گرفته و با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی، این ویژگیها را در قالب ابعاد محدودتری تنظیم کنند. یک مثال قابل توجه در این مورد تحقیق لارکر و همکاران [۵۲] است. نویسندگان بر اساس ۳۹ متغیر راهبری و با استفاده از تحلیل مولفه‌های اصلی، ۱۴ بعد راهبری شرکتی را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

تفاوت میان مطالعات در مورد چگونگی اندازه‌گیری ویژگیهای راهبری موضوع قابل بحث دیگری است. این تفاوتها مواردی به شرح زیر است: (۱) اندازه‌گیری متغیرهای پیوسته در برابر متغیرهای دوگانه (درصد استقلال مدیران کمیته حسابرسی در برابر متغیرهای مجازی نظیر اینکه آیا کمیته حسابرسی ۱۰۰ درصد مستقل است)، (۲) اندازه‌گیری متفاوت ساختار زیربنایی (تعریف مهارت مالی کمیته حسابرسی بر مبنای قوانین مشخص یا بر این مبنای که آیا اعضای

کمیته حسابرسی پیش زمینه حسابداری دارند و (۳) اندازه‌گیری راهبری با استفاده از شاخص که ارزش شاخص بصورت خوب یا بد بر مبنای مقدار میانه نمونه تعریف می‌شود، بنابراین ساختار نمونه، خوب یا بد بودن راهبری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به تفاوتها در چگونگی اندازه‌گیری، بحث تحلیل حساسیت نتایج به تفاوت در چگونگی اندازه‌گیری متغیرهای کلیدی بسیار با اهمیت خواهد بود.

درون‌زایی

در اغلب تحقیقات راهبری فرض شده که متغیرهای راهبری شرکتی برون‌زا هستند. اما همان ویژگی شرکت و یا مدیریت که ممکن است رویداد مورد مطالعه (برای مثال مدیریت سود) را تحت تاثیر قرار دهد، احتمال دارد بر ویژگیهای هیئت‌مدیره یا کمیته حسابرسی نیز موثر باشد. ناتوانی برای در نظر گرفتن ماهیت درون‌زایی ویژگیهای راهبری تهدیدی برای اعتبار درونی مطالعه است، لذا چالش پیش روی محققین ارائه متغیرهای مناسبی است که ترکیب هیئت‌مدیره و یا کمیته هیئت‌مدیره را تشریح کرده اما با پدیده مورد مطالعه مرتبط نباشد. لارکر و راستیکس [۵۴] مباحث مفیدی در مورد درون‌زایی در تحقیقات راهبری ارائه کرده‌اند.

همبستگی یا علیت

در اکثر مطالعات راهبری مدلهای بر مبنای سطوح بکار می‌روند. در این مطالعات خروجی در برابر ویژگیهای راهبری رگرسیون زده شده و روابط عمده بین ویژگیهای راهبری و خروجی بیانگر رابطه همبستگی بین آنهاست. اگرچه برخی محققین به رابطه علیت بین متغیرها اشاره دارند اما تحلیل آماری تنها رابطه همبستگی بین متغیرها را آشکار کرده است. تحقیقات بیشتری باید به بررسی این مطلب که آیا تغییرات در ویژگیهای راهبری با تغییرات در خروجی، همراه است یا خیر (برای مثال آیا بهبود ویژگیهای راهبری منجر به کاهش مدیریت سود خواهد شد) پردازند. آزمون روابط علی بیشتر مورد تقاضای محققین است اما مستلزم یک آزمایش کنترل شده است که در همه حوزه‌های راهبری امکانپذیر نیست.

ب) بسط تحقیقات موجود

بررسی تعاملات و روابط بین هیئت‌مدیره و کمیته‌های آن و آزمون اثرات ویژگی‌های راهبری با توجه به شرایط شرکتهای مختلف دو زمینه پیشنهادی جهت بسط تحقیقات موجود است که در ادامه تشریح خواهند شد.

روابط متقابل بین هیئت‌مدیره و کمیته‌های آن و میان کمیته‌های مختلف

بخش بسیار کمی از ادبیات راهبری موجود، روابط متقابل میان هیئت‌مدیره و کمیته‌های آن یا روابط متقابل مابین کمیته‌های مختلف را آزمون می‌نماید. از جمله موارد قابل بررسی در این حوزه تعاملات میان کمیته پاداش و کمیته حسابرسی است. برنامه پاداش تنظیم شده توسط کمیته پاداش ممکن است انگیزه‌هایی در مدیریت برای دستکاری نتایج مالی ایجاد نماید و این امر نگرانی عمده کمیته حسابرسی است. اگر کمیته پاداش و کمیته حسابرسی به خوبی با هم ارتباط نداشته باشند ممکن است کمیته حسابرسی از ریسک‌های مهم گزارشگری که از طریق تصمیمات کمیته پاداش ایجاد شده است، آگاه نباشد. مطالعه روابط متقابل کمیته‌های هیئت‌مدیره و حسابرس مستقل، حسابرس داخلی یا مدیریت جهت بررسی تاثیرات آنها بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی و نیز مطالعه روابط اجتماعی بین اعضای هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی جهت بررسی تاثیرات آن بر استقلال کمیته حسابرسی از حوزه‌هایی است که تحقیق بیشتر برای درک هرچه بهتر اثرات آنها توصیه می‌شود.

مدلهای راهبری مختلف برای شرکتهای مختلف

در بحث ویژگیها و فرآیندهای راهبری، استفاده از مدل‌های یکسان برای شرکتهای مختلف مناسب نیست. برای مثال ویژگیها و فرآیندهای بهینه راهبری شرکتی بر اساس نوع صنعت و مرحله‌ای از چرخه زندگی که شرکت در آن قرار دارد متفاوت است. ریسک گزارشگری مالی متقلبانه در صنایع مبتنی بر دانش فنی با صنایع وجوه نقد محور متفاوت است. یک شرکت کوچک، جوان، با رشد سریع و با مالکیت نهادی بالاتر احتمالاً از مدیران با تخصص بالاتر

صنعت، بیشتر منتفع خواهند شده و بالعکس، شرکتهای بزرگ، فعال در صنایع رو به نزول و با سهامداران بسیار پراکنده ممکن است از مدیران با مهارت مالی و از تمرکز بیشتر هیئت مدیره بر نقش نظارتی خود، بیشتر منتفع شوند. این مسائل محققین را به آزمون اینکه چگونه ترتیبات راهبری شرکتی بر مبنای ویژگیهای شرکت تفاوت می کند تشویق می نماید.

ج) خطوط جدید تحقیق

حداقل سه زمینه غنی در حوزه مطالعات راهبری وجود دارد که عبارتند از: ۱) انتظارات سرمایه گذاران با توجه به فرآیند راهبری و نقش سرمایه گذاران در نظارت بر فرآیندهای راهبری، ۲) فعالیتهای، رفتارها، فرآیندها و ویژگیهای شخصیتی خاص که به راهبری کارا مربوط می باشد و ۳) سایر مکانیسم های راهبری که در ادامه به آنها اشاره شده است.

سرمایه گذاران و راهبری شرکتی

ادبیات راهبری اغلب نقش مستقیمی که سرمایه گذاران در فرآیند راهبری ایفا می کنند را در نظر می گیرد (نقش مالکان بلوکی یا سرمایه گذاران نهادی در راهبری). سرمایه گذاران اهداف، الگوهای سرمایه گذاری و منابع مختلفی دارند، بنابراین نقش و اثربخشی آنها در فرآیند راهبری احتمالاً متفاوت خواهد بود. تحقیقات قبلی بطور شفاف انتظارات سرمایه گذاران را با توجه به فرآیندهای راهبری و چگونگی نظارت سرمایه گذاران بر فرآیندهای راهبری مورد توجه قرار نداده اند. برای مثال رفتار رای دهی سرمایه گذار به اعضای هیئت مدیره ممکن است دیدگاهی بر پیش زمینه ها، ویژگیها و عملکرد مورد انتظار سرمایه گذاران ایجاد نماید. به علاوه بکارگیری روش شناسی بررسی میدانی یا پیمایشی برای درک آنچه که سرمایه گذاران (بویژه بر اساس انواع مختلف سرمایه گذاران) از هیئت مدیره و کمیته حسابرسی انتظار دارند، و اینکه چگونه انواع مختلف سرمایه گذار بدنبال تاثیرگذاری بر هیئت مدیره ها هستند سودمند است.

اثربخشی هیئت مدیره و کمیته ها

تحقیقات راهبری باید به افزایش اثربخشی یا کیفیت راهبری در عمل کمک نمایند. در این خصوص دو موضوع مهم برای آزمون وجود دارد. نخست اینکه کیفیت یا اثربخشی راهبری چگونه تعریف یا اندازه‌گیری می‌شود؟ بر اساس تئوری نمایندگی یک نقش کلیدی هیئت‌مدیره و کمیته‌های آن نظارت بر مدیریت است، هرچند اندازه‌گیری کیفیت نظارت مشکل است. دومین موضوع جالب قابل آزمون، بررسی بیشتر این مطلب است که کدام عملیات، رفتارها، فرآیندها و ویژگیهای شخصیتی به اثربخشی یا کیفیت هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی مربوط است (با فرض موجود بودن تعریف عملی). این نوع تحقیق با توجه به فقدان داده‌های در دسترس ضرورتاً بر بررسی میدانی یا پیمایشی متکی است. علاوه بر صحبت با مدیران و آزمون رفتار هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی، روش کلی برای آزمون اثربخشی باید شامل مصاحبه با حسابرس مستقل، حسابرس داخلی و منشی شرکت باشد. استفاده از منشی‌های شرکت در بررسی میدانی به دلیل درگیری آنها در فرآیندهای رهبری شرکت (تدارکات جلسات، عملکرد جلسات، فعالیتهای بین جلسات) ممکن است دیدگاههای بی‌نظیری را ایجاد نماید. علاوه بر این محققین می‌توانند آزمون نمایند که چگونه فعالیتهای هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی می‌تواند کارایی نقش گزارشگری مالی شرکت و فرآیندهای حسابرسی داخلی و مستقل را افزایش دهد. سرانجام انجام تحقیقات بیشتر در مورد اینکه هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی چگونه می‌توانند مدیریت عالی سازمان را بصورتی اثربخش سرپرستی نمایند، ضروری بنظر می‌رسد.

سایر مکانیسم‌های راهبری

تحقیقات موجود مکرراً نقش رئیس هیئت‌مدیره در فرایند راهبری را در نظر گرفته‌اند، مواردی نظیر آزمون اینکه چه زمانی برای ترکیب نقش‌های رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل مناسب است. همچنین آزمون اثربخشی نظارت هنگام جداسازی این دو نقش در برابر زمانی که دو نقش در هم ادغام می‌شوند. اما تحقیقات اندکی نقش رئیس کمیته حسابرسی را در تسهیل

عملکرد اثربخش کمیته حسابرسی بطور جداگانه آزمون کرده‌اند. آزمون نقش رئیس کمیته حسابرسی، شامل رفتار و ویژگیهای شخصیتی وی، جهت اطمینان از اثربخشی کمیته حسابرسی برای انجام مطالعات آتی مناسب خواهد بود.

نتیجه گیری

ادبیات راهبری شرکتی در حسابداری و حسابرسی در ۱۵ سال اخیر رشد سریعی داشته است. در این مقاله خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهشهای انجام شده در حوزه راهبری در داخل و خارج از کشور ارائه گردید. یکی از موارد آشکار شده از مقایسه اجمالی پژوهشهای داخلی و خارجی فقدان پژوهش داخلی در خصوص کمیته حسابرسی بعنوان یکی از سازوکارهای راهبری شرکتی است. به رغم پیشینه ۷۰ ساله کمیته حسابرسی در کشورهای توسعه یافته، روند ایجاد آن در ایران بسیار کند و در بیشتر موارد متوقف بوده است. لذا با پررنگ تر کردن نقش کمیته حسابرسی و الزام واحدهای اقتصادی به ایجاد آن می‌توان انتظار داشت که ایجاد و بکارگیری آن در سالهای آینده روندی افزایشی داشته باشد.

مقاله حاضر ضمن نقد تحقیقات موجود، پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی نیز ارائه کرده است. برخی مسیرهای جدید پیشنهادی تحقیق با توجه به فقدان داده ضرورتاً از طریق بررسی‌های تجربی، میدانی و پیمایشی قابل انجام خواهد بود. این مقاله برای محققین علاقه‌مند به تحقیق در زمینه راهبری شرکتی، می‌تواند در انتخاب مسیر مناسب کمک نماید.

منابع

- ۱- آقای، محمدعلی، چالاکی، پری. (۱۳۸۸). " بررسی رابطه بین ویژگیهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ". تحقیقات حسابداری، ۱(۴)، ۵۴-۷۷.
- ۲- باباجانی، جعفر، بابایی، مسعود. (۱۳۹۰). " تأثیر استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی ". دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۴، ص ۷-۲۷.
- ۳- بنی‌مهد، بهمن، اکبری، رضا. (۱۳۸۹). " بررسی رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس ". حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ششم، ۴۱-۴۷.
- ۴- حساس یگانه، یحیی، داداشی، ایمان. (۱۳۸۹). " بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر اظهارنظر حسابرسان مستقل ". حسابداری مدیریت، شماره ۵، سال سوم، ص ۶۵-۷۳.
- ۵- حساس یگانه، یحیی، داداشی، ایمان. (۱۳۸۹). " تأثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه ریزی ". مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی، شماره ۴، ص ۱۰۵-۱۲۷.

- ۶- حساس یگانه، یحیی، جعفری، ولی اله. (۱۳۸۹). "بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۹، سال سوم، ص ۲۵-۴۲.
- ۷- رجبی، روح اله، محمدی خشوئی. (۱۳۸۷). "هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل". بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۳، ۳۵-۵۲
- ۸- روحی، علی، ایمان‌زاده، پیمان. (۱۳۸۸). "بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۸۵-۱۹۸.
- ۹- علوی طبری، سید حسین، رجبی، روح اله و منصوره شهبازی. (۱۳۹۰). "رابطه نظام راهبری و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شرکتهای"، دانش حسابداری، سال دوم، ش ۵، ۷۵-۱۰۱.
- ۱۰- علوی طبری، سید حسین، عطابخش، راضیه. (۱۳۸۹). "نقش کمیته حسابرسی و بررسی موانع ایجاد و بکارگیری آن در ایران". پیشرفتهای حسابداری، دوره دوم، شماره اول، ۱۵۵-۱۷۷
- ۱۱- کاشانی پور، محمد، احمدپور، احمد، باقرپور، سیدمحمد. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین سهامداران نهادی کوتاه مدت و بلندمدت و مدیریت سود فزاینده شرکتهای". دانش حسابداری، سال اول، شماره ۳، ص ۷-۲۹.

۱۲- مرادزاده فرد، مهدی، بنی‌مهد، بهمن، دیندار یزدی، مهدی. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی". حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره هشتم، ص ۸۹-۱۰۲.

۱۳- مشایخی، بیتا، محمدآبادی، مهدی. (۱۳۹۰). "رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی". سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، ص ۱۷-۳۲.

۱۴- مهرانی، کاوه، صفرزاده، محمدحسین. (۱۳۹۰). "تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی". دانش حسابداری، سال دوم، ش ۷، زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۹-۹۸.

۱۵- مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، اسکندر، هدی. (۱۳۸۹). "رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه". پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره اول، شماره پیاپی ۳، ص ۴۷-۶۲.

۱۶- نوروش، ایرج، رضانی، مسعود. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل موثر بر استقلال حسابرس از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسی". حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۷، ص ۱-۲۲.

۱۷- نیکبخت، محمدرضا، مهربانی، حسین. (۱۳۸۵). " بررسی اثر خدمات و میزان حق الزحمه‌های غیرحسابرسی موسسات حسابرسی بر استقلال حسابرس ". بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴، ص ۱۲۹-۱۴۷.

۱۸- وحیدی الیزی، ابراهیم، حامدیان، حامد. (۱۳۸۸). " برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبانه "، تحقیقات حسابداری، ۱ (۳)، ۱۶-۱۹۷.

- 19-Abbott, L. J., S. Parker, G. F. Peters, and D. V. Rama.(2007). "Corporate governance, audit quality, and the Sarbanes-Oxley Act: Evidence from internal audit outsourcing". The Accounting Review 82 (4): 803-835
- 20-Ahmed, A. S., and S. Duellman.(2007). "Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis". Journal of Accounting and Economics 43 (2/3): 411-437.
- 21-Archambeault, D. S., F. T. DeZoort, and D. R. Hermanson. (2008). "Audit committee incentive compensation and accounting restatements". Contemporary Accounting Research 25 (4): 965-992.
- 22-Asare, S. K., R. A. Davidson, and A. A. Gramling. (2008). "Internal auditors' evaluation of fraud factors in planning an audit: The

- importance of audit committee quality and management incentives". *International Journal of Auditing* 12 (3): 181–203.
- 23-Barua, A., D. Rama, and V. D. Sharma. (2010). "Audit committee characteristics and investment in internal auditing". *Journal of Accounting and Public Policy* 29 (5): 503–513.
- 24-Beasley, M. S. (1996). "An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud". *The Accounting Review* 71 (4): 443–465.
- 25-Beasley, M. S., J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and T. L. Neal. (2010). "Fraudulent Financial Reporting 1998-2007: An Analysis of U.S. Public Companies. Durham, NC: Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO)". Available at: http://www.coso.org/documents/COSOFRAUDSTUDY2010_001.pdf
- 26-Beasley, M. S., J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and T. L. Neal. (2009). "The audit committee oversight process". *Contemporary Accounting Research* 26 (1): 65–122.
- 27-Be´dard, J., and S. Paquette.(2009)."Perception of Auditor Independence, Audit Committee Characteristics, and Auditor Provision of Tax Services". Working paper, Universite´ Laval.

- 28-Bierstaker, J. L., J. R. Cohen, F. T. DeZoort, and D. R. Hermanson. (2010). "The Effects of Audit Committee Compensation, Fairness, and Responsibility on the Resolution of Accounting Disagreements". Working paper, Villanova University, Boston College, The University of Alabama, and Kennesaw State University.
- 29-Bowen, R. M., S. Rajgopal, and M. Venkatachalam.(2008). "Accounting discretion, corporate governance, and firm performance". *Contemporary Accounting Research* 25 (2): 310–405.
- 30-Bronson, S. N., J. V. Carcello, C. W. Hollingsworth, and T. L. Neal. (2009)."Are fully independent audit committees really necessary?". *Journal of Accounting and Public Policy* 28 (4): 265–280.
- 31-Carcello, J. V., D. R. Hermanson, and K. Raghunandan.(2005). "Factors associated with U.S. public companies' investment in internal auditing". *Accounting Horizons* 19 (2): 69–84.
- 32-Carcello, J. V., T. L. Neal, Z. V. Palmrose, and S. Scholz.(2011). "CEO involvement in selecting board members, audit committee effectiveness, and restatements". *Contemporary Accounting Research* 28 (2): 396–430.

- 33-Carcello, J. V, Hermanson, D. R, Zhongxia, Y.(2011). "Corporate Governance Research in Accounting and Auditing: Insights, Practice Implications, and Future Research Directions, Auditing". A Journal of Practice & Theory American Accounting Association Vol. 30, No. 3. pp. 1-3.
- 34-Chen, K. Y., and J. Zhou.(2007)."Audit committee, board characteristics, and auditor switch decisions by Andersen's clients". Contemporary Accounting Research 24 (4): 1085-1117.
- 35-Chung, H. H., and J. P. Wynn.(2008). "Managerial legal liability coverage and earnings conservatism". Journal of Accounting and Economics 46 (1): 135-153.
- 36-Coates, D. J., M. L. Marais, and R. L. Weil. (2007)."Audit committee financial literacy: A work in progress". Journal of Accounting, Auditing and Finance 22 (2): 175-194.
- 37-Cohen, J. R., G. Krishnamoorthy, and A. M. Wright. (2007b). "The impact of roles of the board on auditors'risk assessments and program planning decisions. Auditing". A Journal of Practice & Theory 26 (1): 91-112.
- 38-Cohen, J. R., G. Krishnamoorthy, and A. M. Wright.(2008)." Form versus substance: The implications for auditing practice and

- research of alternative perspectives on corporate governance”.
Auditing: A Journal of Practice & Theory 27 (2): 181–198.
- 39-Cohen, J., U. Hoitash, G. Krishnamoorthy, and A. Wright.(2010a).
“The Association between Audit Committee Industry Expertise
and Financial Restatements”. Working paper, Boston College
and Northeastern University.
- 40-Dechow, P. M., R. G. Sloan, and A. P. Sweeney.(1996). “Causes
and consequences of earnings manipulation: An analysis of
firms subject to enforcement actions by the SEC”. *Contemporary
Accounting Research* 13 (1): 1–36.
- 41-DeFond, M. L., R. N. Hann, and X. Hu. (2005).” Does the market
value financial expertise on audit committees of boards of
directors?” *Journal of Accounting Research* 43 (2): 153–193.
- 42-DeZoort, F. T., D. R. Hermanson, and R. W. Houston. (2008).
“Audit committee member support for proposed audit
adjustments: Pre-SOX versus post-SOX judgments. *Auditing*”. *A
Journal of Practice & Theory* 27 (1): 85–104.
- 43-Dhaliwal, D. S., V. Naiker, and F. Navissi.(2010). “The association
between accruals quality and the characteristics of accounting
experts and mix of expertise on audit committees”.
Contemporary Accounting Research 27 (3): 787–827.

- 44-Engel, E., R. M. Hayes, and X. Wang.(2010).” Audit committee compensation and the demand for monitoring of the financial reporting process”. *Journal of Accounting and Economics* 49 (1/2): 136–154.
- 45-Fich, E. M., and A. Shivdasani.(2007).”Financial fraud, director reputation, and shareholder wealth”. *Journal of Financial Economics* 86 (2): 306–336.
- 46-Gendron, Y., and J. Be´dard.(2006). On the constitution of audit committee effectiveness. *Accounting, Organizations and Society* 31 (3): 211–239.
- 47-Gendron, Y., J. Be´dard, and M. Gosselin.(2004). “Getting inside the black box: A field study of practices in “effective” audit committees”. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 23 (1): 153–171.
- 48-Gul, F. A., and J. Goodwin.(2010).”Short-term debt maturity structures, credit ratings, and the pricing of audit services”. *The Accounting Review* 85 (3): 877–909.
- 49-Hunton, J. E., and J. M. Rose.(2011). “Effects of anonymous whistle-blowing and perceived reputation threats on investigations of whistle-blowing allegations by audit

- committee members". *Journal of Management Studies* 48 (1): 75–98.
- 50-Keune, M. B., and K. M. Johnstone.(2010)."Audit Committee Members' and Executives' Financial Incentives and the Materiality of Financial Statement Misstatements". Working paper, University of South Carolina and University of Wisconsin.
- 51-Krishnan, G. V., and G. Visvanathan.(2008)."Does the SOX definition of an accounting expert matter? The association between audit committee directors' accounting expertise and accounting conservatism". *Contemporary Accounting Research* 25 (3): 827–857.
- 52-Krishnan, J., and J. E. Lee.(2009)."Audit committee financial expertise, litigation risk and corporate governance". *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 28 (1): 241–261.
- 53-Larcker, D. F., S. A. Richardson, and I. Tuna.(2007)."Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance". *The Accounting Review* 82 (4): 963–1008.
- 54-Larcker, D. F., and T. O. Rusticus.(2010). "On the use of instrumental variables in accounting research". *Journal of Accounting and Economics* 49 (3): 186–205.

- 55-Lassila, D. R., T. C. Omer, M. K. Shelley, and L. M. Smith.(2010).
“Do complexity, governance, and auditor independence influence whether firms retain their auditors for tax services?”.
Journal of the American Taxation Association 32 (1): 1–23.
- 56-Lee, H. Y., V. Mande, and R. Ortman.(2004).” The effect of audit committee and board of director independence on auditor resignation”. Auditing: A Journal of Practice & Theory 23 (2): 131–146.
- 57-Lennox, C. S., and C. W. Park.(2007). “Audit firm appointments, audit firm alumni, and audit committee independence”. Contemporary Accounting Research 24 (1): 235–258.
- 58-Magilke, M. J., B. W. Mayhew, and J. E. Pike.(2009).”Are independent audit committee members objective? Experimental evidence”. The Accounting Review 84 (6): 1959–1981.
- 59-Naiker, V., and D. Sharma.(2009).”Former audit partners on the audit committee and internal control deficiencies”. The Accounting Review 84 (2): 559–587.
- 60-Pomeroy, B. (2010).”Audit committee member investigation of significant accounting decisions”. Auditing: A Journal of Practice & Theory 29 (1): 173–205.

- 61-Sharma, D. S., E. Boo, and V. D. Sharma.(2008).”The impact of corporate governance on auditors’ client acceptance, risk and planning judgments”. *Accounting & Business Research* 38 (2): 105–120.
- 62-Stewart, J., and L. Munro.(2007).”The impact of audit committee existence and audit committee meeting frequency on the external audit: Perceptions of Australian auditors”. *International Journal of Auditing* 11 (1): 51–69.
- 63-Zhao, Y., and K. H. Chen.(2008).”Staggered boards and earnings management”. *The Accounting Review* 83 (5): 1347–1381.

Corporate Governance Research in Accounting and Auditing: Insights, Practice Implications, and Future Research Directions

Abstract

Corporate Governance is collections of process and structures that using internal and external mechanism attending to get assurances of keeping rights of stakeholders, accountability, clarifying and iustice in business enterprises.Over the past two decades, the corporate governance literature in accounting and auditing has grown rapidly. To better understand this body of work, present study discuss results from empirical research in this field. The corporate governance focus is primarily on corporate board and audit committee issues. present study discuss the major insights from this literature and the practice implications of these Findings, In addition critique them make suggestions for extention of current research.

Keywords: corporate governance; board; audit committee.